

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

موسوی

۱۸ نومبر ۲۰۱۹

"قسمت اول"

مختصری بر، دروغ های

"جناب" صدراعظم سلطان علی کشتمند

۲۳

به ادامه گذشته:

باز هم در همان صفحه می افزاید: ("سمیران" اشاره کرد که در اوایل ۱۹۷۸ میلادی، حدود ۳۵۰ مشاور نظامی و تکنیسن روسی در کابل به سر می بردند و بسیاری از آنها کنترل زمین و راه اندازی راکت های ضد هوایی مستقر در پایگاه های هوایی بگرام و کابل همکاری داشتند، به نظر وی برای نیروی هوایی مشکل بود که بدون کمک تکنیسن های روسی وارد عمل شود. وی گفت: قادر پیوستن به کودتاگران را به ناچار تا زمانی که مشاوران روسی اعلام موافقت نکرده بودند، به تأخیر انداخت در واقع هنوز با تأیید مسکو نرسیده بود.)

نویسندگان نامبرده در همان صفحه نکته دیگری را می نگارند که نمی تواند عاری از اهمیت باشد:

(مقامات سفارت امریکا در این رابطه ادعا کردند که مشاوران روسی همراه با واحد های زرهی در عصر روز کودتا کنترل میدان هوایی کابل را به دست گرفتند و در قسمتهای کنترل زمین پایگاه هوایی بگرام نیز مشاهده شدند) باز هم همان کتاب و همان صفحه:

("الکساندر موروروف" معاون ک. ج. ب. معتقد است که مسکو می دانست کودتائی در راه است و در قبال آن توصیه هائی نیز کرده بود. ک. ج. ب. در آغاز از نقشه کودتای امین بی اطلاع بود و بعداً دریافت که امین بشدت تلاش کرده است تا قضیه به اطلاع روسها - بخوانید ک. ج. ب. موسوی - نرسد وی ادامه می دهد: "شاید امین می ترسید که ما ممکن است مداخله کنیم. یکی از عاملان کودتا که بیشتر به حزب کمونیست و اتحاد شوروی وفادار بود تا امین، این راز را برای ما افشاء کرد. ما می توانستیم نقشه را به اطلاع داوود برسانیم، اما مسکو نمی خواست (حذا) را افشاء کند") (تکیه از موسوی است)

در صفحه (۳۱) همان کتاب می خوانیم:

(ظاهراً در این مرحله رهبران شوروی در باره اقدامات خود اتفاق نظر نداشتند. شواهد قابل اعتمادی در چندین منبع شوروی ذکر شده و حاکی از آن است که جی. آر. یو. در آغاز عبدالقادر را تشویق کرد تا شورای نظامی اش را

تشکیل دهد، اما فرمان کمیته مرکزی حزب کمونیست از رژیمی با پایه های وسیع حمایت کرد) - تکیه روی کلمات از موسوی -

وقتی نقل های قول فوقاً تذکار یافته را با لست اسامی افرادی که در شوروی تحصیل نظامی نموده و در همان روز در عملیات جنگی سهیم بودند مقایسه نمائیم یک سیمای ناقص تشکیلات جی. آر. یو. در افغانستان مشخص می گردد: صفحه (۱۳۰) کتاب (اردو و سیاست) از جنرال نبی عظیمی:

- ۱ - دگروال عبدالقادر پیلوت، رئیس ارکان قوای هوایی (خلقی) - تحصیل یافته شوروی
- ۲ - جگرن محمد اسلم وطنجار قومندان کندک در قوای ۴ زره دار (خلقی)
- ۳ - جگرن محمد رفیع رئیس ارکان قوای ۴ زره دار و سرپرست آن قواء (پرچمی)
- ۴ - جگرن شیر جان مزدوریار قومندان کندک قوای کندک ۴ (خلقی)
- ۵ - جگتورن فتح محمد افسر تانکیست قوای ۴ (خلقی) - تحصیل یافته شوروی
- ۶ - تورن محمد داوود عزیزی قومندان تولى قوای ۴ (پرچمی)
- ۷ - جگرن خلیل الله رئیس ارکان لوای ۸۸ توپچی (پرچمی)
- ۸ - جگرن اسدالله سروری افسر قوای هوایی (خلقی) - تحصیل یافته شوروی
- ۹ - جگرن سید داوود ترون مترولوژ قوای هوایی (خلقی) - تحصیل یافته شوروی
- ۱۰ - خرد ضابط سید محمد گلاب زوی میخانیک قوای هوایی (خلقی)
- ۱۱ - جگرن نظر محمد پیلوت افسر قوای هوایی (خلقی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۲ - جگرن غوث الدین پیلوت افسر قوای هوایی (خلقی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۳ - تورن وهاب پیلوت افسر قوای هوایی (پرچمی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۴ - تورن اسد الله پیام آمر مخابره گارد جمهوری (خلقی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۵ - جگرن گل آقا آمر اوپراسیون گارد جمهوری (پرچمی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۶ - جگرن عبدالحق علمی افسر گارد جمهوری (پرچمی) تحصیل یافته شوروی
- ۱۷ - تورن مهمند افسر قوای ۴ زره دار (خلقی)
- ۱۸ - تورن عمر شهید (به گفته عظیمی) افسر قوای ۴ زره دار (پرچمی)
- ۱۹ - جگتورن محمد یعقوب رئیس ارکان قوای ۴۴۴ کوماندو (خلقی) تحصیل یافته شوروی
- ۲۰ - لمری بریدمن امام الدین افسر قطعه ۴۴۴ کوماندو (خلقی) تحصیل یافته شوروی
- ۲۱ - جگرن محمد امین افسر قوای زره دار (خلقی)
- ۲۲ - جگرن عبدالحق صمدی میخانیک قوای هوایی (خلقی) تحصیل یافته شوروی

از جمله این افسران، صاحب منصبانی که در گارد جمهوری خدمت - بخوانید خیانت. م - می کردند، در روز قیام مسلحانه (به گفته عظیمی. م) در جریان قیام قرار گرفتند و بلا درنگ به قیام کنندگان پیوستند. بدون شک چهره های زیادی در قیام مسلحانه (به گفته عظیمی. م) ۷ ثور اشتراک داشتند اما معروفترین آنها چهره های بالا بوده اند) بنابر اعتراف پرچمی جلال نبی عظیمی از جمله آنها ۲۲ تن از تحصیل یافتگان شوروی و متباقی درس خیانت در (لیسه حربی و حربی پوهنتون) فرا گرفته بودند، در آن اماکن نیز مانند سالهای اجرای وظیفه در تماس نزدیک با استادان تحصیل یافته شوروی و مشاوران آنکشورو در نتیجه در دسترس (جی. آر. یو.) قرار داشتند. این که چه تعداد از آن افراد و هم پالگان شان به مثابه عضو رسمی (استخبارات ارتش شوروی) در ارتش افغانستان به خیانت

و جاسوسی اشتغال داشتند بدون آن که قصد متهم کردن کس و یا کسانی را داشته باشم به جرأت می توانم بنویسم: اکثریت قابل ملاحظه آنها در ارتباط با آن نهاد جهانی قرار داشتند. تأمین هماهنگی بین آنها در روز فاجعهٔ ثور (با در نظر داشت این که به اقرار تمام رهبران (حدخا) تا آنوقت ادغام تشکیلاتی بین افسران صورت نگرفته بود)، دوام تقریباً همه آنها در کرسیهای دولتی، مصونیت آنها در همه حالات (هیچ کس قادر نشد تا (رفیع و قادر) را اعدام کند در حالی که افرادی به مراتب بی اهمیت تر از آنها در پولیگونها به خاک و خون کشانده شدند)، روابط نزدیک و تنگاتنگ آنها در تمام دوره ها با شوروی ها (نجات سروری، گلاب زوی، وطنجار، مزدوریار به وسیلهٔ سفارت شوروی ...)، واقعیت های انکار ناپذیر است در خدمت اثبات این مدعا.

ب-ک.ج.ب. :

این سازمان که از لحاظ ساحهٔ نفوذ، پختگی، تشکیلات و امکانات دست داشته در زمان خودش (چه بسی امروز نیز) یگانه رقیب (سی. آی. ای.) امریکا بوده و سازمانهای جاسوسی دیگری چون (ام. آی. ۶) انگلستان، سازمان جاسوسی فرانسه و (ب. ان. د.) آلمان را به چیزی نمی گرفت، یکی از دو (سی. آی. ای و ک. ج. ب.) سازمان جهانی است که در تمام نیمهٔ دوم قرن بیست در اکثر سیلابهای خونینی که در این و یا آن کشور به راه می افتیده یا هر دو دست داشته اند و یا یکی به رقابت دیگری بر استخوانهای له شده و اجساد سوختهٔ انسانها پایه های قدرت غارتگرانهٔ شان را بنیاد گذاشته اند.

(ک. ج. ب.) در افغانستان عمدتاً در دو شاخه و تا حدودی مستقل از همدیگر (فقط در سطوح بسیار بالا افراد کاملاً مطمئن شناخت و تماس افقی با هم داشتند) تشکیلات مربوط به خود را به وجود آورده بود.

اولی از بین کارمندان بلند رتبهٔ دولتی (حسن شرق ها، جلالرها، شاه محمد دوست ها، جیلانی باختری ها، محتاط ها، داکتر صدیق ها ...) و عدهٔ بیشمار دیگری انتخاب و ضمن آن که از حمایت همدیگر برخوردار بودند از قرار معلوم بنابر جو اختناق حاکم کمتر در رابطهٔ تشکیلاتی و تنگاتنگ با همدیگر قرار داشتند. روابط این بخش تشکیلات (ک. ج. ب.) بنابر شواهد زیر نظر فرد اول (ک. ج. ب.) در افغانستان و از طریق مشاوران روسی که با آنها رابطهٔ مسلکی و اداری داشتند تأمین شده کمترین سندی را از خود در قفا نمی گذاشتند. چنانچه با وجودی که در تمام ادوار مردم عمق روابط چنین افرادی را با (ک. ج. ب.) می دانستند اما دولتها اگر هم می خواستند، سندی را برای ارتباط آنها در دست نداشتند، تا این که فاجعهٔ ثور و سیاه روز ۶ جدی کوس رسوائی شورویها را بلند تر از آن به صدا درآورد که بتوانند جواسیس حرفه ئی خود را بیشتر از آن پنهان دارند. این بخش تشکیلات (ک. ج. ب.) که مسمی به (تشکیلات افراد مستقل) بود بنابر ضرورتها، گسترش فوق العاده یافته عدهٔ زیادی از رهبران مذهبی سنتی و مکتبی را به علاوهٔ قسمت اعظم مهاجران پاره دریائی که قبلاً به افغانستان آمده و برخی از آنها به مقامات عالیله نیز رسیده بودند، چه قبل از فاجعهٔ ثور و چه بعد از آن در خود متشکل ساخته بود. وظایف این افراد به علاوهٔ جاسوسی مستقم برای (ک. ج. ب.)، آماده نمودن زمینه ها برای آن نهاد در جذب و تشکل سایر هواخواهان و زمینه سازی ارتقای افراد مورد نظر (ک. ج. ب.) در ادارات دولتی، تشکیل می داد.

شاخهٔ دومی که از لحاظ گستردگی به مثابهٔ تدارک سازمانی حملات بعدی سازمان یافته، در تمام دوران حیات ننگینش نقش ستون پنجم را بازی می کردند، احاد (حدخا) بود. این حزب که از همان آغاز ایجاد، علت وجودی اش را حفظ و تأمین منافع سرمایهٔ دلال دولتی می ساخت، در تکامل خود از حزبی که حامل امیال و آرزوهای تزاران

جدید کرملن بودند به عوامل اجرائی و وابسته به نهاد جاسوسی آنکشور استحال شده، عمدتاً به مثابه شاخه افغان !! (ک. ج. ب.) و (ح. ک. ب. ش.) اجرای وظیفه می نمودند.

این که روابط این شاخه تشکیلاتی تا کدام سطح به صورت مستقیم توسط عوامل روسی (ک. ج. ب.) تأمین می گردید و تا کدام سطح به دوش اعضای افغان !! (ک. ج. ب.) بود دشوار است قضاوت نمود، چه با آن که قسمت اعظم افراد (حدخا) ضمن تماسهای رسمی هنگام تحصیل و کار در ادارات، امکان تماس با مشاوران شوروی را داشتند و عملاً با آنها در تماس و دارای بهترین روابط نیز بودند مشکل است بتوان حکم نمود که همه آنها در تماس مستقیم با (ک. ج. ب.) قرار داشتند و بدین طریق آگاهانه جاسوس روسها بودند. این مشکل نه بدان خاطر بود که گویا روسها و یا صفوف (حدخا) خواستار آن نبودند بلکه عامل محدود کننده مستقیم، اولاً خطرات امنیتی بوده و در ثانی تا جایی که عملکرد رهبری (حدخا) روشن ساخته است، این رهبران نیز نمی خواستند تا صفوف در تماس مستقیم با روسها قرار گیرند چه در آنصورت خود ایشان را خطر بی اعتمادی سبکدوشی تهدید می کرد.

در هر صورت از این که رهبری (حدخا) از هر دو جناح در یک رقابت افسارگسیخته به غرض نزدیکی با (ک. ج. ب.) و به دست آوردن عضویت آن در تلاش بودند جای هیچ مناقشه ای وجود ندارد، زیرا یک نظر اجمالی به نوشته های تا حدودی فیلتر نشده غوربندی، سیستمی و خطاهای کثمتند هنگام مظلوم نمایی این نکته را به صراحت بیان می دارد که آنها در خدمت شوروی قرار داشته و به مثابه یک عامل بیمقدار به مقامات آن سازمان گزارش داده خطوط کار و عملکرد آنها نیز به وسیله (ک. ج. ب.) تعیین می گردید.

به نقل از کتاب هریسن در صفحات ۴۱۶ و ۱۳۱ از قول ببرک چنین آمده است:

صفحه ۴۱۶ بخش پاورقی ها می خوانیم: "کارمل این گزارش را به (اس. کا. سینگهه) داد که کمی بعد از کودتا به سفارت هند در کابل برگزیده شد"

در صفحه ۳۱ همان کتاب می خوانیم: "ببرک کارمل اظهار کرده است که رابطه عمده وی با (ک. ج. ب.)، (ویلیوز او سادچی) او را برای ایجاد یک رژیم ائتلافی به ریاست غیر کمونستها که (حدخا) نیز در قدرت آن سهیم باشد، ترغیب می کرد.

ادامه دارد